

جهانی کردن اقتصاد و کنفرانس علیه ما علیه «اجلاس هزاره»

نوشته امیرحسن فرزانه

بنده طی مقالاتی چند در این مجله و مخصوصاً نوشته‌های مندرج در شماره‌های ۱۰۳ و ۱۱۱ به تفصیل یادآور شدم و استدلال کردم که جهانی کردن اقتصاد که اکنون تنها راه ادامه حیات کاپیتالیسم است، برخلاف نظر حامیان پروپاقرص آن، علاوه بر آن که به حریم ملی کشورها تجاوز عینی می‌کند فقیر را فقیرتر و غنی را غنی‌تر می‌سازد، تا جایی که به قول روزنامه گاردین، با آن که در آمریکا (رهبر کاپیتالیسم جهانی) بر مبلغ ثروت افزوده شده، اما فاصله و نابرابری طبقاتی آنقدر توسعه یافته که بحران دهه ۱۹۳۰ آمریکا را در خاطرها زنده می‌کند.

در اینجا لازم است از مخالفت‌ها و خشم جهانی در قبال جهانی کردن اقتصاد شمه‌ای ذکر کنم. کنفرانس سران کشورها در سیاتل آمریکا که بنا داشت نقشه جهانی کردن اقتصاد را با مکانیسم سازمان تجارت جهانی (W.T.O) به تصویب برساند، با چنان خشم و اعتراض گسترده‌ای مواجه شد که نتوانست تصمیمی بگیرد و شکست را پذیرفت. سران کشورها و «لابی»های شرکت‌های عظیم چندملیتی چندی بعد در دهکده «داووس» واقع در سوییس به همان منظور مجدداً گرد هم آمدند که باز هم در اثر خشم معترضین ناکام ماندند. بدیهی می‌نمود که متولیان حفظ بقای کاپیتالیسم «ول کن معامله» نیستند و در کنفرانس سالانه صاحبان سهام صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که در واشنگتن برگزار شد، جهانی کردن اقتصاد را در صدر مباحث خود قرار دادند. علت این امر هم روشن بود: چون این دو مؤسسه فرمانبردار آمریکا نیز در جهانی کردن اقتصاد وظایف مهمی برعهده دارند. معترضین که از چند و چون قضایا آگاهی داشتند خشم‌آلود به خیابان‌های اطراف محل کنفرانس ریختند و فریاد مخالفت با جهانی کردن اقتصاد را بلند کردند. پلیس به طرز وحشیانه‌ای به مردم تاخت و عده زیادی را مضروب ساخت یا روانه زندان کرد. روز

اول ماه مه در لندن، برلن و سایر پایتخت‌های ممالک اروپایی و آسیایی فرصتی بود که مردم علاوه بر نمایش علیه جهانی کردن اقتصاد، به اعتراض آشکار علیه نظام سرمایه‌داری نیز برخیزند. شدت این تظاهرات در لندن بیش از سایر نقاط بود و این از اعجاب عجایب است که در پایتخت کشوری که مهد کاپیتالیسم است، مردم نفرت خود را از این نظام به نمایش گذاردند. روزنامه گاردین عکسی را از خشونت پلیس علیه تظاهرکنندگان چاپ کرده و در ذیل آن آورده است که نمایش اعتراض‌آمیز مردم علیه کاپیتالیسم که با آرامش آغاز شده بود، به زد و خورد و خشونت گرایید.

روزنامه گاردین به نقل از روزنامه فاینشال تایمز جمله‌ای از یک صاحب‌نظر را آورده بود که با آن که از سرمایه‌داری طرفداری می‌کند، ولی بسیار قابل تأمل است. آن جمله این است «هدف و قصد معترضین اول ماه مه این بود که قدرت را از سیاستمداران و صاحبان شرکت‌ها و بوروکرات‌ها سلب نمایند و یک تغییر اساسی اجتماعی و اکولوژیک (زیست محیطی) بوجود آورند، در حالی که بروز چنین واقعه‌ای به مراتب خطرناک‌تر و نامطموع‌تر از وضع جامعه‌ای است که غارتگرانه‌ترین شکل سرمایه‌داری در آن دیده می‌شود» آن صاحب‌نظر حامی سرمایه‌داری «غارتگرانه‌ترین شکل سرمایه‌داری» را که اقراری روشن بر خبث ساختار کاپیتالیسم است بر هر گونه تحول اجتماعی ترجیح می‌دهد. «قافیه» آنقدر تنگ شده که تئوری‌پردازان از اعتراف به ذات غارتگری سرمایه‌داری نیز ابایی ندارند (فهم‌المطلوب). لندنی‌ها درست فکر کرده بودند که اگر نظام سرمایه‌داری از میان برود دیگر محلی برای جهانی کردن اقتصاد که به بالای عظیمی می‌ماند، باقی نخواهد ماند.

نخست‌وزیر انگلیس نیز از این واقعه برآشفست و از آن با عصبانیت و تندى زیاد ابراز نارضایتی کرد.

اعضاء گروه ۷۷ که امروز بالغ بر ۱۲۳ کشور می‌شود و سکنه آنها ۸۰ درصد جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند امسال کنفرانس خود را در هاوانا پایتخت کوبا برگزار کردند. شرکت‌کنندگان در این کنفرانس همگی متفق‌القول، خود را با نیت معترضینی که جلسات بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را به هم زدند شریک و سهیم دانستند. به قول روزنامه گاردین، اعضای کنفرانس از این که جهانی کردن اقتصاد دست و پای ممالک ضعیف را در یک دور باطل فقر بسته است، به سختی شکایت داشتند. کاستر و ضمن نطقی در پایان اجلاس گفت نظام جاری اقتصاد که توسط ممالکت غنی تحمیل شده، نه تنها بسیار بی‌رحمانه و ظالمانه و ضدبشری است، بلکه یادآور نظرگاه نژادپرستانه و کشتار جمعی Holo Caust و اردوگاه‌های زندانیان سیاسی نازی‌ها نیز هست. رییس کنفرانس گفت شک نیست دنیا می‌رود تا اوضاع را دگرگون سازد.

روزنامه اضافه می‌کند «قرن بیستم به اثبات رساند که کاپیتالیسم بدیلی و عوضی ندارد (یعنی بشریت ابدالاباد محکوم به تحمل شدائد و نابرابری‌های ظالمانه سرمایه‌داری است) اما آنچه ما با آن روبه‌رو هستیم تلاش پیچیده‌ای است که چه قبایی برای کاپیتالیسم بدوزیم که برازنده قامت بشریت باشد!!! مادام که تمام کوشش‌ها معطوف به آن گردد که چه تولید کنیم و چه مصرف و در تعقیب کسب سود بیشتر و بیشتر و غنی‌تر کردن معدودی، اکثریت جامعه بشری را به نابودی بکشانیم و مادام که کاپیتالیسم جهانی حقوق دموکراتیک را پایمال می‌کند و بیش از پیش قصد تجاوز به حریم زندگانی مردم را دارد و از خودخواهی و حرص و آز بشری به مثابه اسلحه شخصی استفاده می‌کند، جایی برای حصول رضایت مردم نتواند بود.»

اما روزنامه با آن که گوشه‌هایی از واقعیت‌های تلخ کاپیتالیسم را بیان می‌کند فراموش کرده که آن

خودخواهی‌ها و آن حرص و آرها، خود محصول اجتناب‌ناپذیر نفس کاپیتالیسم است.

ادغام‌های بزرگ

روزنامه لوموند دیپلماتیک به چهره دیگری از جهانی کردن اقتصاد می‌پردازد و می‌نویسد «جریان بدون کنترل سرمایه در سراسر دنیا و جهانی کردن اقتصاد و از میان رفتن اقتدار ملی و کشوری باعث رشد انفجار آمیز بازارهای مالی غیرقانونی شده است..»

بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین سازمان‌های جنایی در قطب‌های سرمایه‌داری آمریکا و اروپا و آسیا قرار دارند. سود سالانه قاچاق مواد مخدر بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که معادل ۸ تا ۱۰ درصد مبلغ تجارت جهانی است. عایدی جنایات کامپیوتری (چون تجاوز به بانک اطلاعاتی غیر و دستکاری یا دزدی اطلاعات) متجاوز از ۲۰۰ میلیارد دلار - کالاهای تقلبی ۱۰۰ میلیارد دلار - کلاهبرداری از بودجه جامعه اروپا ۱۵-۱۰ میلیارد دلار - قاچاق حیوانات ۲۰ میلیارد دلار - که به طور کلی با احتساب عواید فحشا ارزش ناخالص عملیات جنایی سر به مبلغ ۱۰۰۰ میلیارد دلار یا ۲۰٪ تجارت جهانی می‌زند..»

روزنامه لوموند اضافه می‌کند: «حتی اگر هزینه‌های گزاف عمومی و خسارات ناشی از ضبط و توقیف را برابر با ۵۰٪ کل عایدات محاسبه کنیم، با این وجود سود سالانه بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار می‌شود که ظرف ده سال سر به مبلغ ۵۰۰۰ میلیارد دلار می‌زند که این مبلغ بیشتر از سه برابر اندوخته ارزی خارجی کلیه بانک‌های مرکزی دنیاست... سالانه حدود ۳۵۰ میلیارد دلار از این عواید «تطهیر» و سرمایه‌گذاری می‌گردد - یعنی روزانه معادل یک میلیارد دلار»

خبرگان اقتصادی و مطبوعات غربی مدت سیست سال پس از جنگ جهانی دوم را که صحبتی از جهانی کردن اقتصاد در میان نبود عصر طلایی اقتصاد سرمایه‌داری نام نهاده‌اند، حال که علم و تکنولوژی نسبت به دوره عصر طلایی پیشرفت‌های عظیم جهشی کرده و قاعدتاً مردم باید از رفاه و آسایش و درآمد بیشتری برخوردار باشند، می‌بینیم این کاپیتالیسم که انحصار علم و تکنولوژی را در دست دارد زندگی مردم و حتی مردم ممالک متروپل را بسی دردناک‌تر و ناآرام‌تر



پلیس لندن تظاهرکنندگان علیه جهانی کردن اقتصاد را با شدت سرکوب می‌کند

از گذشته و همان عصر طلایی کرده است. با همه این احوال، سرمایه‌داری از پای نمی‌نشیند و با تمام ابزارهای سیاسی و تبلیغاتی - از سازمان ملل متحد و دستگاه‌های وابسته به آن گرفته تا وسایل ارتباطات جمعی - به کوره جهانی کردن اقتصاد می‌دمد. هستی امروز کاپیتالیسم با جهانی کردن اقتصاد گره خورده است و مردم دنیا باید تاوان آن را بدهند. سرمایه‌داری برای حمله سراسری و دنیایی خود مقدمات سازمانی را که عبارتند از انواع ادغام شرکت‌های مالی و صنعتی اعم از داخلی و خارجی فراهم آورده است. آخرین دستاورد این مقدمات ادغام بورس‌های بزرگ سهام در یکدیگر است، مانند ادغام بورس‌های عظیم لندن و فرانکفورت به نام IX (مذاکراتی در جریان است که بورس‌های میلان و مادرید نیز به IX پیوندند) بحث ادغام بورس‌های پاریس و

آمستردام و بروکسل به نام Euro نیز NEXT جدی است و به طور کلی انواع این ادغام‌ها همچنان ادامه دارد.

اما از جهت تبلیغاتی... غرب یا همان شرکت‌های بزرگ چندملیتی علاوه بر تجهیز سازمانی و تشویق مالی تئوری پردازان (نان به نرخ روز خور) قصد دارد از

وجهه باقیمانده سازمان ملل و

شخص دبیر کل برای تأمین توقعات و خواست‌های خود استفاده کند و نمایش بزرگی را با حضور تمام سران دول به نام هزاره ملل متحد در اوایل سپتامبر (اواسط شهریور) امسال در نیویورک به راه اندازد. به نوشته گاردین کوفی عنان طی نطق ۵۶ صفحه‌ای خود در ژنو خواستار تغییر بنیادی در شورای امنیت آنتیک شده سازمان ملل متحد شده است. نطق او توسط مقامات رسمی ملل متحد (بخوانید نمایندگان رسمی آمریکا و سایر ممالک غربی) به عنوان مهم‌ترین سخنرانی‌های او برشمرده شده که زمینه را برای اجلاس سران کشورها در روزهای ۶ و ۸ سپتامبر (۱۶ و ۱۸ شهریور) در نیویورک فراهم می‌آورد. او گفت یکی از هدف‌ها این است که تا سال ۲۰۱۵ یک میلیارد نفر از مردم جهان از فقر نجات یابند و سپس با تأکید بر اهمیت تعلیم و تربیت و این‌که

عمده این مشکل توسط تعلیم و تربیت و برابری فرصت‌های تحصیلی برای دختران و پسران برطرف می‌شود، اضافه کرد که اپیدمی HIV-AIDS (ایدز) متوقف خواهد شد، از راه جهانی کردن، مردم از وادی نکبت نجات می‌یابند... اما شاه بیت این وعده‌های سرخرمن دبیر کل همان جهانی کردن اقتصاد است که آن را «ام‌العلاج» دردهای زندگی بشری برمی‌شمارد. به نقل از روزنامه ایران‌نیوز او گفت: «فوائد جهانی کردن پرواضح است - رشد سریع‌تر، سطح بالاتر زندگی و وفور فرصت‌های تازه برای عامه مردم. اما چون این منافع بسیار نابرابر توزیع شده و پایه‌های جهانی کردن هنوز استوار نشده، یک حرکت مقاوم و پس‌زننده از جانب مردم جهان به وجود آمده است» (اسان از هنگامی که جهانی کردن اقتصاد پا بگیرد).

بگذارید چند نکته را در باب نطق دبیر کل که اساس گزارش او را در کنفرانس سران به عنوان «اجلاس هزاره» تشکیل می‌دهد، عرض کنم. مردم ممالک جنوب به حق از ترتیب تبعیض‌آمیز شورای امنیت ناراضی هستند. حالا دبیر کل، از چه راهی می‌خواهد این شورای آنتیک شده را با نیازهای روز سازگار سازد؟، معلوم نیست. یک حدس بنده این است که با موافقت قبلی آمریکا دو کشور ژاپن و آلمان را در شمار اعضای دائمی شورا با حق وتو درآوردن و شق دیگر آن که مثلاً برای هر دوره پنج‌ساله یک نفر را به نمایندگی یکی از قاره‌های آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و اوقیانوسیه به عضویت دائمی شورا برگزینند، که صدالبته نامزد چنین مقامی باید قبلاً مورد قبول آمریکا قرار گرفته باشد. هیچ‌یک از این دو پیشنهاد فرضی در صورتی که مورد تصویب قرار گیرد تغییر مهمی در ماهیت و وضع فعلی شورای امنیت نخواهد داد. به هر حال... هرگونه تغییر احتمالی را باید در ذیل تسریع جهانی کردن اقتصاد مد نظر قرار داد. اما این‌که دبیر کل در نطق خود از لزوم بهبود وضع مالی مردم نادار و بهداشت و سواد عمومی به مردم جهان مژده می‌دهد جای شگفتی دارد. مگر در وضع کنونی سازمان‌های تخصصی و وابسته به سازمان ملل متحد در ذیل شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد به این مسایل مهم نمی‌پردازند که ایشان وعده اصلاحات می‌دهد؟

بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم WB و صندوق بین‌المللی پول IMF و سازمان کشاورزی جهانی FAO و سازمان بهداشت جهانی WHO و سازمان بین‌المللی کار ICO و سازمان آموزشی و علمی و فرهنگی ملل متحد UNESCO هر یک به ترتیب مسئولیت بسط آبادانی و تأمین مالی و تأمین خوراک و غذا و تأمین بهداشت و ایجاد فرصت‌های تازه شغلی و استعلای مقام تعلیم و تربیت را برعهده دارند. یعنی همانها که دبیر کل به عنوان نکات تازه در نطق خود متذکر شده، از جمله وظایف همین دستگاه‌های موجود است و چیز تازه‌ای نباید باشد و اگر این سازمان‌ها در انجام وظایف خود کوتاهی و تملل کرده‌اند، راه اصلاحش در کنفرانس «علیه ما علیه» اجلاس هزاره نیست. به اعتقاد بنده همه وعده‌های دبیر کل برای آرایش دادن و سهل‌الهمضم کردن این نیت تازه کاپیتالیسم، یعنی جهانی کردن اقتصاد است و بس. اما حال جای تأمل بسیار دارد که برخی مقامات مملکتی و صاحب‌نظران اقتصادی ما باها را در یک کفش کرده که جای بگو مگو و درنگ نیست و باید هرچه زودتر خود را آماده الحاق به سازمان تجارت جهانی (W.T.O) کنیم که مبادا در بازار جهانی تنها و بی‌یار و یاور بمانیم. غافل از این‌که اگر درآمد ناشی از سرمایه مملکت، یعنی نفت را از اعتبارات مملکت حذف می‌کردیم سال‌های سال است که بی‌یار و یاور و تنها مانده‌ایم و هیچ‌گاه هم به صرافت نیفتاده‌ایم که از تنهایی درآییم.

یادمان نرود و حوصله کنیم... ما پنجاه سال است عضو صندوق بین‌المللی پول هستیم و اخیراً بر مبلغ سهمیه خود نیز افزوده‌ایم، معذالک در هنگام تنگدستی در سال گذشته که استحقاق دریافت وام را (با همان سود ۵ درصد که به کره جنوبی پرداخت شد) داشتیم. نه ما درخواست وام کردیم و نه صندوق نیم‌نگاهی به ما انداخت و مجبور شدیم با پیش‌فروش یک میلیارد دلار نفت و بلیت حج و چاپ اسکناس و استمهال یک میلیارد و دویست میلیون مارک بابت بدهی قسط وام به آلمان، با تحمل ضررهای هنگفت سال را به پایان بریم. قضیه روشن است: شرط پرداخت وام آزادی اقتصادی و شاید مهم‌تر از آن موافقت آمریکا است که قبول آن برای دولت میسر نبود. موافقان الحاق به W.T.O چه جوابی برای این مشکل دارند؟

این هم یکی دیگر از اشکالات دولت ماست که به رغم آن‌که صحبت زیاد و مکرر از «شفافیت» می‌کند، هیچ‌گاه گزارش مستندی از کنفرانس‌هایی که در آنها شرکت می‌کنیم، منتشر نمی‌سازد.

معاون اول رئیس‌جمهور به هاوانا سفر کرد و راه‌آوردی از کنفرانس یا خود نیاورد، یا ما بی‌اطلاع ماندیم. اگر خلاصه صورت جلسات و قطعنامه کنفرانس منتشر می‌شد شاید با حوصله و مطالعه جوانب کار در باب الحاق به W.T.O به اظهار عقیده می‌پرداختیم و از عجله، که کار شیطان است، پرهیز می‌کردیم. این فقره که عرض کردم نمونه دیگرش شرکت ما در کنفرانس ممالک غیرمتعهدها بود که معلومان نشد در آن چه گفته‌اند و چه تصمیم گرفته‌اند؟ درخواست بنده از دولت کریمه جناب آقای رئیس‌جمهور این است که برای شرکت در این کنفرانس‌ها برنامه‌ای تهیه ببیند تا وظیفه شرکت‌کنندگان معین گردد و مردم از آنچه در این کنفرانس‌ها می‌گذرد بی‌خبر نمانند.

اما محض اطلاع کسانی که برای الحاق به W.T.O تعجل دارند عرض می‌کنم چین که حدود هفتاد - هشتاد میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی FDI جذب کرده و روابط اقتصادی گسترده‌ای با غرب و مخصوصاً با آمریکا دارد مدت هفت - هشت سال قبل تقاضای الحاق به W.T.O را داده بود و تازه موافقت آمریکا را برای الحاق کسب کرده و اکنون مشغول چک و چانه زدن با اتحادیه اروپا است. حالا بفرمایید ما در کجای کاریم و امکانات برابر ما در الحاق به W.T.O چیست و چه خواهیم گرفت و چه خواهیم داد که این قدر عجله داریم؟

توجه باید کرد مادام که خود را برای شرایط مبادله عادلانه ساخته و پرداخته نکرده‌ایم و در مقیاس جهانی برای همکاری با کشورهای هم‌قطار خود تمایلی نشان نداده‌ایم و درسی از کنفرانس‌های مهمی چون کنفرانس‌های گروه ۷۷ و کشورهای غیرمتعهد نیاموخته‌ایم، بهتر است عزم را جزم کنیم و به شیوه علمی و نه به شیوه متداول ایدئولوژیک، به مطالعه و بررسی جهانی کردن اقتصاد و علل اعتراض خشم‌آلود مردم در قبال این واقعه نامیمون بپردازیم تا شاید راه نجات و سلامتی فرا رویمان باز شود.

